

بیش از نیم قرن است که در حوزه موسیقی فعالیت می‌کنید؛ به عنوان سؤال اول ازسال‌ها تلاش و دستاوردها در این حوزه بفرمایید.

از نگاه شما آیا آن رسالتی که طی این سال‌ها به عنوان یک هنرمند پرعهده داشتید به سرانجام رسیده است؟

به‌طوریقین هیچ‌گاه کسی رضایت کامل از کار خود ندارد. اما در طول این سال‌ها اتفاقات خوشایندی رقم خورد که برایم بسیار ارزشمند است؛ به عنوان مثال تربیت شاگردانی که امروز درعرصه موسیقی می‌درخشند و فعالیت‌های بسیار خوبی در این حوزه انجام می‌دهند. نکته دیگر اینکه ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که لازم است تلاش برای کودکان و جوانان باشد. بایستی بگویم در حال حاضر نسل جوان هنرمند به کارهای تازه‌ای روی آورده‌اند که در گذشته نبود. آنها تعارف را کنار گذاشته‌اند و دیگر هر فردی را استناد خطاب نمی‌کنند و این موضوع بسیار مهمی است. من نیز طی این سال‌ها تلاش کردم و تأکید بسیارداشتیم که در موسیقی تعارفی نداشته باشیم.

در صحبت‌های خود اشاره کردید نسل امروز تعارف را کنار گذاشته‌اند. طی این سال‌ها چه ممانعت‌هایی موجب شد کارهایی که دوست داشتید به سرانجام نرسد؟ موضوع شنیداری برای علاقه‌مندان و هنرجویان موسیقی، برایم بسیار مورد توجه بوده و هست و طی این سال‌ها بارها به این موضوع تأکید داشتم و حتی با مسئولان مربوطه مطرح کردم، اما متأسفانه برای برخی از مسئولان فرهنگی و هنری چندان مورد اهمیت نبوده و به همین سبب اتفاقی هم شکل نگرفت. در باب موضوع شنیداری باید بگویم، برداشت ما از دنیای اطراف، تنها به موضوع دیداری خلاصه نمی‌شود و مبحث شنیداری به همان میزان مبحث دیداری، مورد اهمیت است و در این رابطه می‌توانیم با کودکانی که از استعداد و حافظه خوبی برخوردارند کارهایی انجام بدهیم. حتی پیشنهاد کردم در این زمینه معلمانی در مدارس تربیت شوند تا موضوع شنیداری به هنرجویان جوان آموزش داده شود؛ اما تا به اکنون اتفاقی دلگرم‌کننده‌ای صورت نگرفته است. بازهم تأکید می‌کنم تدریس شنیداری موضوع بسیارهممی است که لازم است در مراکز آموزشی به آن پرداخته شود تا بدین طریق درک و دریافت نسل مستعد و باهوش امروز نسبت به مبحث شنیداری دقیق و تقویت شود.

تدریس شنیداری چطور انجام می‌شود؟ توجه به موضوع شنیداری، یعنی تفسیر یا آتالیز صداها ی دنیای اطرافمان. یعنی درک اینکه کیفیت هر صدا چیست؟ یعنی آموزش پارامترهای مختلف صدا به کودکان و نوجوانان. البته این موضوع به معنای نشنیدن آنها نیست؛ بچه‌ها صداهای اطراف را می‌شنوند، اما آگاهانه نیست. بنابراین اگر بتوانیم نگاهشان را به صدا تغییر بدهیم کارمان را به درستی انجام داده‌ایم و تا آخر عمرشان فراموش نخواهند کرد. البته این مبحث کار مشکلی است به این علت که تصویر بسیار راحت‌تر از صدا در ذهن ثبت و ضبط می‌شود.

طی این سال‌ها فرصتی برای تدریس این موضوع به وجود نیامد؟ چند سال قبل در مدرسه‌ای حدود ۳۰ هنرجو داشتم و این مبحث را تدریس می‌کردم و اتفاقاً پیشرفت‌های بسیار چشمگیر و خوشحال‌کننده حاصل شد و به این اطمینان رسیدم که مسیر را به درستی انتخاب کرده‌ام. آموزش در زمینه شنیداری، در شناخت و آگاهی هنرجویان موسیقی بسیار تأثیرگذار است و موجب می‌شود علاقه‌مندی‌شان به مباحث شنیداری و موضوعاتی که تا به آن زمان به شنیدنش توجه نداشتند، بیشتر شود و این نکته بسیار مهمی است.

با توجه به تجربه شما در امر آموزش، علاوه بر تقویت مساله شنیداری که

به آن تأکید داشتید، آیا موضوعات دیگری هم در مبحث آموزشی وجود دارد که لازم باشد به آن پرداخته شود؟

بله. مدد در صد. به عقیده من مترتبال آموزش موسیقی در فضاها ی آموزشی نیاز به بازنگری دارد و با این شیوه تدریس در دانشگاه‌ها به نتیجه‌ای نخواهیم رسید. در مراکز آموزشی ما معلمان و استادان بسیاری هستند که درباره موسیقی بسیار خوب صحبت می‌کنند، اما در انجام کار، ضعف‌هایی دارند که باید توجه شود چراکه آنها فقط تئوریسین هستند و این اتفاق خوبی نیست. امروزه زمان آن است که در موسیقی فعالیت جدی داشته باشیم و از دانشجویان این رشته بهره بیشتری ببریم. همان‌طور که اشاره کردم در حال حاضر جوانان به‌صورت خودجوش در زمینه موسیقی فعال شده‌اند و کارهایی بسیار خوبی انجام می‌دهند که از نگاه من بسیارعالی است. نکته دیگر اینکه شیوه کاری ما متفاوت با اروپایی‌هاست. بنابراین لازم نیست دنباله‌رو راه و روش آنها باشیم.

در حال حاضر به چه کارهایی مشغول هستید؟ از زمانی که به بیماری کرونا مبتلا شدم، توان جسمی‌ام بسیار کم شده و به سختی دستانم را حرکت می‌دهم به همین سبب مدت‌هاست رهبری ارکستر را کنار گذاشته‌ام. علاوه بر آن به سبب بیماری جسمی‌ام، ایستادن فعالیت می‌کنند که جای امیدواری است و بسیارخوشحال‌کننده است. بویژه اینکه فرصتی هم در اختیار بانوان هنرمند قرار گرفته و چوب رهبری ارکستر به‌سبب موانع رسیده است. به عنوان مثال هنرنمایی خانم پانیده فریوسفی به عنوان رهبر میهمان ارکسترسمفونیک تهران. ایشان هنرمند بسیار بااستعدادی هستند و از این خبر بسیار خوشحال شدم و به آقای نصیر حیدریان (رهبر ارکسترسمفونیک تهران) تبریک گفتم. این اتفاق قدمی مثبت در یک مسیر درست است.

حالا که صحبت از رهبری ارکستر فرارسیده تغییراتی در ارکسترها ایجاد شود و از حضور جوان‌ها بهره بیشتری برده شود؟

بله. صد درصد. البته نه فقط درموسیقی و ارکستر، بلکه ضرورت دارد این فرصت‌ها در تمامی رشته‌ها برای جوانان فراهم شود. ما باید به اکنون درحال تغییر تحول است آنچه‌ان که تا ۲۰ سال آینده تصویری که ازجهان داشتیم دیگر پاسخگو نخواهد بود. امروز با پدیده هوش مصنوعی روبه‌رو هستیم و این اتفاق خیلی خوبی است و باید به‌درستی از آن بهره ببریم، حتی در موسیقی. هوش مصنوعی امکان دیگری است و به لحاظ زمانی و تصویری، به گونه‌ای دیگر دنیا را به ما نشان می‌دهد.

البته مضراتی هم به همراه دارد. مخالفت با هوش مصنوعی مانند مخالفت‌هایی است که آن زمان با

کشف نیروی برق انجام گرفت. هوش مصنوعی به‌وجود آمده و شکل گرفته است. البته در این زمینه کنش و واکنش‌های عجیبی هم ایجاد شد، اما به عقیده من این موضوع یک روند فرهنگی است و ضرورت دارد همه آن را بایاموزیم، نه آنکه مانعش شویم. از نگاه من فرهنگ مانند رودخانه‌ای است که باید جریان پیدا کند؛ در غیراین صورت می‌گندد و لجن‌زار می‌شود.

کارآهنگسازی هم انجام می‌دهید؟ بله. در حال حاضر با توجه به شرایط جسمانی‌ام تنها کاری که انجام می‌دهم، آهنگسازی است. تازه‌ترین کارم یک کورآتت زهی است که قرار است در وین اجرا شود. یکی از مهم‌ترین آتسامبل‌های اتریش

گفت‌وگوی «ایران» با نادر مشایخی به انگیزه تولد این هنرمند

دوست دارم در کویر لوت چله‌نشینی کنم



نادر مشایخی



مادرم اغلب مشغول تدریس در مدارس بود و پدر مشغول به تئاتر و به همین سبب خیلی کمتر همدیگر را می‌دیدیم. بنابراین اغلب در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگم بودم و زندگی در کنار همه و عموها و سبک و سلیقه موسیقایی من را تغییر داد

و در نهایت کاره‌ری را دنبال کردید. انتخاب درست یکی از مهم‌ترین جملاتی بود که از او به خاطر سپرده‌ام. ۱۵ سال سن داشتم و آن زمان علاقه‌مندی‌ام به هنر موجب شد با کمک دوست دوران نوجوانی‌ام آقای حمید تمجیدی دو فیلم به خیال خودم مدرن تولید کنیم. (سال‌های ۵۴-۵۵ بود.) از صفر تا صد کار به عهده خودمان بود و وقتی به اتمام رسید پدرم گفت خیلی خوب است اما همین حالا باید تصمیم بگیری موسیقی را دنبال می‌کنی یا سینما را! و من علاقه‌مند به موسیقی بودم و تا به امروز در این عرصه فعالیت کرده‌ام. مادرم آوازایرانی می‌خواند، شاگرد استاد کریمی بود و می‌خواست آواز خوان شود.

جالب است بدانید پدر با موسیقی هم که حرفه‌ام بود مخالفت‌هایی داشت و می‌گفت در این مسیر خالتور می‌شوی. به‌طور کلی برخی از ایرانی‌ها دیدگاه اشتباهی به مطرب و خالتوری دارند. این درحالی است که وقتی با موسیقی ونوع فعالیت آنها آشنایی پیدا کردم، متوجه شدم چقدرعالی هستند و یک فرهنگ موسیقایی بخصوصی دارند که بی‌شباهت به موسیقی بیاروک نیست. یا مانند موسیقی‌های روحوضی که به نظر من بسیار با ارزش هستند. جالب است بدانید آن زمان روی حوض خالی چوب می‌گذاشتند و می‌نشستند و می‌خواندند تا صدا را قوی‌تر کند و جنبه آکوستیک داشته باشد و این نکته بسیار مهمی بود. اما در نهایت به آنها مطرب می‌گفتند و همچنان معتقدم باور اشتباهی بوده و هست.

نگاه استاد مشایخی به فعالیت شما در عرصه سینما چگونه بود؟

با فعالیت کردن در زمینه سینما هم مخالف بود. البته آن زمان شرایط به گونه‌ای دیگر بود. پدرم می‌گفت جامعه مناسب نیست، آذیت می‌شوی و در این مسیر گمراه خواهی شد. البته آن دوره (سال ۵۰) به غیر از چند تا فیلم خیلی مهم که از «قصر» شروع شد و بعد از آن «گاو» و «آرامش در حضور دیگران»، کار خوب و جدی تولید نشد. از سال ۵۰ به بعد هم کارهای آقای ابراهیم گلستان و آقای فرخ غفاری نسبت به دیگر تولیدات آن زمان بهتر بود. اما به‌طور کلی کارچندانی ساخته نمی‌شد.

چه انگیزه‌ای سبب شد موسیقی کلاسیک غربی را انتخاب کنید؟

از ۶ سالگی موسیقی کلاسیک در زندگی من جریان داشت و آشنا با این موسیقی بودم. از خردسالی به دلیل مشغله کاری پدر و مادرم اغلب درخانه پدر بزرگم زندگی می‌کردم. یک خانه قدیمی بزرگ با حوضی که در وسط حیاط قرار داشت و اتاق‌های تو در تو. جالب است بدانید تا ۸ سالگی فکر می‌کردم عمه‌ها و عموهایم، برادر و خواهرهایم هستند و من آخرین فرزندم.

مادرم اغلب مشغول تدریس در مدارس بود و پدر مشغول به تئاتر و به همین سبب خیلی کمتر همدیگر را می‌دیدیم. بنابراین اغلب در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگم بودم و زندگی در کنار عمه و عموها سبک و سلیقه موسیقایی من را تغییر داد. دومین عمویم علاقه‌مند به موسیقی کلاسیک بود و اغلب اوقات مشغول شنیدن این گونه موسیقایی بود و من را هم به شنیدن آن تشویق می‌کرد. البته در کنار آن کارتون هم می‌نواخت و به من هم آموزش می‌داد.

عموی دیگرم صفحات موسیقی اش را در اختیارم می‌گذاشت. یکی دیگر از عموهایم هم به موسیقی فیلم علاقه‌مند بود و برای من هم می‌آورد تا ببینیم و بشنوم. شاید همین امر سبب علاقه‌مندی من به موسیقی فیلم‌های خارجی شد تا اینکه بالاخره کوچکترین عضو خانواده پدر بزرگم، مسیز زندگی‌ام را تغییر داد.

عمه‌ام کلکسیون موسیقی کلاسیک داشت و آثاری را که از رادیو بخش می‌شد، ضبط می‌کرد. یک بار که خانه نبود، به من گفت «سمفونی رژو بیزه» را ضبط کنم، اتفاقاً آن شب بیزه را شنیدم.

در کشور ما نسل جوان آهنگساز و بیسارمستعدی هستند که با این روش تدریس و یادگیری رفته‌های آموزشی کاملاً بی‌ربط، و قشتشان را به هدر می‌دهیم. درحالی که می‌توانند این دروس را در مدت زمان دیگری بیاموزند. بنابراین تا زمانی که راه و روش این گونه باشد، نمی‌توانیم انتظار یک ارکستر مطلوب را داشته باشیم. البته برخی از رهبران ارکستر چون آقای حیدریان در این زمینه تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند که به نظر من بسیار ارزشمند است. ایشان علاوه بر توجه در ارکستر که متشکل از نوازنده‌های جوان و علاقه‌مند است، از رپرتواریهای بسیار خوبی استفاده می‌کنند و در کنار آن دعوت از رهبران جوان که اتفاق خوبی است.

وین است، چرا که ازهمان ابتدا علاقه‌مند به موسیقی الکترونیک و سازهای غربی بود و پس از پایان تحصیلات ازهنرستان عالی موسیقی، مسیری را در زندگی هنری‌اش انتخاب کرد که شاید آن زمان تعداد معدودی از هنرمندان آن را دنبال می‌کردند. آثار باخ، بهتوون، موتسارت و... نت‌هایی بود که سدام در ذهنش نواخته می‌شدند و ایده‌سازی می‌کرد و همین ایده‌ها بودند که سرانجام روی کاغذ نقش بستند و سمفونی‌هایی چون «قیه‌ماقیه»، «مولانا» و اپرای «ملکوت»، و صدها کار دیگر خلق شدند. البته آهنگسازی بخشی از حرفه هنری او بود و رهبری ارکستر سمفونیک را هم برعهده داشت. این هنرمند برجسته موسیقی ایران، این روزها به دلیل ادامه درمان بیماری و انجام فیزیوتراپی دراتریش به سری‌برد و به گفته خودش اسفندماه به ایران بازمی‌گردد. به بهانه سالروز تولد نادر مشایخی گفت‌وگویی با او داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

به تاریخ پنجم آذرماه نادر مشایخی ۶۷ ساله شد. آهنگساز و رهبر ارکستر. زاده شده در خانواده‌ای اهل فرهنگ و هنر. پدر، استاد جمشید مشایخی، از بزرگان سینما و تئاتر و مادر کیتی رتوفی معلم و عشق به هنری که در خانواده‌او جریان داشت. به گفته او در همان دوران خردسالی با موسیقی و آثار آهنگسازان بزرگ دنیا آشنایی پیدا کرد و علاقه‌مندی عمه و عموهایش به این کارآزموسیقی سبب گرایش بیشتر او به موسیقی کلاسیک غربی شد.

نادر مشایخی دانش‌آموخته موسیقی در دانشگاه

(پدر) فاصله دارد. هر سال که به این تاریخ و تقارن نزدیک می‌شوید چه احساسی دارید؟

درمدتی که در اتریش هستم و با عمه‌ام زندگی می‌کنم، شب‌ها خاطرات گذشته را مرور می‌کنیم و صحبت‌هایی از پدر به میان می‌آید که برایم بسیار جالب است و افسوس می‌خورم چرا آن زمان توجه بیشتری به این حرف‌ها نداشتیم و اکنون با گذشت زمان متوجه شدم این صحبت‌ها چقدر مهم بود و ای کاش تمامی آنها را دنبال می‌کردم.

بازگردیم به سالروز تولد شما که یک روز با استاد جمشید مشایخی

سال ۸۴ رهبری ارکستر سمفونیک را برعهده گرفتید و سال‌ها بعد از آن هم چندین بار با این ارکستر همکاری داشتید. ازبازی شما از این ارکستر چیست؟ چرا ارکستر سمفونیک تهران با قدمتی کهن نتوانسته طی این سال‌ها آن طور که باید به دنیا معرفی شود و اجراهای بین‌المللی داشته باشد؟

تمامی این موارد به جریان آموزشی برمی‌گردد که متأسفانه در این زمینه کم‌کاری‌هایی صورت گرفته است. جای تأسف است که بگویم در دانشگاه‌های ما آن طور که باید نوازندگی آموزش داده نمی‌شود و نوازنده تربیت نمی‌شود. یک دلیل آن این است که برای دریافت مدرک دانشگاهی، آنقدر دروس و رشته‌های مختلف که



برش

